

چکیده

یکی از مباحث و وقایع رازآلود و قابل تأمل در زندگی بشر خواب و رؤیاست که از دیرباز مورد توجه و تبیین فرقه‌های مختلف قرار گرفته و هر مرام و مسلکی در این مورد اظهارنظر کرده‌اند. از آنجا که این موضوع در پهنه‌ی ادبیات منظوم و منثور عرفانی نمود ویژه‌ای دارد؛ ما ضمن بررسی اجمالی این پدیده از دیدگاه علوم طبیعی و روانشناسی، فلسفه و کلام، قرآن و حدیث سعی نموده‌ایم به طور مبسوط آن را از دیدگاه عرفا و صوفیه مورد مذاقه قرار دهیم؛ زیرا که غالب معتقدات عرفا در ادبیات عرفانی منعکس است. ضمن اینکه در عرفان و تصوف به دلیل متکی بودن بر عالم ملکوت و ماوراء دنیایی خواب و رؤیا نوعی وحی و الهام تلقی می‌شود که خداوند بر بنده‌ی خود ارزانی داشته است و آن را از مقوله‌ی سیر مثالی می‌دانند و ضمن قائل شدن به مراتب چهارگانه الهامات ربانی، ملکی، نفسانی، شیطانی معتقدند که این مراتب در خواب نیز رخ می‌دهند که باید مورد مذاقه‌ی خبر و ارشاد پیر قرار گیرد تا مکاشفات حقانی از غیر حقانی باز دانسته شود.

این پایان‌نامه در چهار فصل تنظیم شده است که در فصل اول به معناشناسی لغوی خواب و رؤیا پرداخته شده است. سپس آن را در مباحث مختلف علوم انسانی از جمله: روانشناسی، فلسفه و کلام، قرآن و حدیث و از همه مهم‌تر عرفان و تصوف مورد بررسی قرار گرفته شده است.

در فصل دوم به انواع و اقسام خواب و رؤیا و درجات آن پرداختیم و تقسیماتی که در این زمینه در قرآن و احادیث و روایات و همچنین عرفان و تصوف وجود دارد مورد بررسی قرار دادیم.

در فصل سوم به تعبیر خواب و پیشینه‌ی آن و کیفیت تعبیر از دیدگاه عارفان پرداختیم و نمونه‌های از خواب عارفان و چگونگی تعبیر آن از دیدگاه آنان را مورد بررسی قرار دادیم.

در فصل چهارم واژه‌ی خواب و رؤیا را از دیدگاه علم بیان و بدیع و دستور بررسی نمودیم و میزان نمود این واژه و ترکیبات و اصطلاحات مرتبط با آن را در آثار مهم عرفانی مورد تدبّر قرار دادیم.

کلید واژه‌ها: خواب، عرفا و صوفیه، ادبیات، سبک عراقی.

مقدمه

حمد و سپاس خداوندی را که همواره بیدار است و خواب را در او راهی نیست. خداوندی که در خواب، بیداری نهاده و روزنی در دل به سوی غیب گشوده است و اهل و نااهل او را خوانند و نام او بر زبان رانند و در خواب و بیداری به سوی او روانند و درود بر فرستاده‌ی او محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) که آدمیان را از خواب غفلت بیدار نمود و سلام بر هر که بیدار است چه:

این جهان پاک خواب کردار است آن شناسد که دلش بیدار است
(رودکی)

موضوع این پایان‌نامه در ابتدا با عنوان (خواب و رؤیا در آثار عرفانی) مطرح شد؛ اما به دلیل گستردگی کار و حجم وسیع آثار عرفانی و اینکه خواندن و تعمق در آثاری از این دست به سالها وقت مداوم نیازمند است، لذا با هماهنگی و راهنمایی استاد محترم راهنما موضوع به (بررسی خواب و رؤیا در اندیشه عرفا و صوفیه بر پایه‌ی امهات سبک عراقی) محدودتر شد. هر چند که این خود نیز به نظر حقیر بسیار گسترده و حجیم است؛ چرا که آثار منظوم و مثنوی را در برمی‌گیرد. لذا از میان مهم‌ترین آثار منشور به کتاب‌هایی چون رساله‌ی قشیریّه، کشف‌المحجوب، مرصادالعباد، کشف‌الاسرار، اسرارالتوحید، تذکرة الاولیاء، انسان کامل، فکوک، شرح فصوص‌الحکم، آثار منشور مولانا، آثار عین‌القضات و ... و از میان آثار منظوم دیوان حافظ، سعدی، سنایی، عطار، شاه نعمت‌الله ولی، دیوان شمس، مثنوی معنوی، حدیقه، آثار دیگر عطار، و ... مراجعه نمودم.

اما اینکه چرا این موضوع را به عنوان پایان‌نامه انتخاب نمودم، سخنی دیگر است. چرا که گنجینه‌ای غنی‌تر و پرمغزتر از عالم عرفان و تصوف را سراغ نداشتم و باید عرفان را زیباترین مفهومی دانست که ضمیر و روح و جان آدمی آن را در وجود آورده است و از سوی دیگر مطالعه آثار عرفانی دوران تحصیل مرا به شیوه‌ی زندگی، راه و رسم، اعتقاد و طرز تفکر و ... صوفیان علاقه‌مند کرد و مرا بر آن داشت که در این زمینه مطالعات بیشتری داشته باشم. هر چند که در علوم‌ی مانند روانشناسی، قرآن و حدیث و ... آثار زیادی تألیف شده است اما کتاب یا پایان‌نامه‌ای که به طور مستقل صرفاً به بررسی و

تحلیل ابعاد مختلف خواب و رؤیا از منظر عرفا و متصوفه پرداخته باشد نیافتیم. از این رو بررسی و تحقیق بیشتر در این زمینه را امری لازم و ضروری دانستیم.

اما چرا خواب و رؤیا؟

رؤیا را شاید بتوان مرموزترین و پیچیده‌ترین پدیده‌ای دانست که با روح و روان آدمی در ارتباط است. مگر نه این است که شنیدن موسیقی آسمانی در رؤیا آدمی را عمری در پی شنیدن همان آوا در بیداری وامی‌دارد. لذا با توجه به اینکه بیش از یک سوم از زندگی هر فردی در خواب سپری می‌شود و انسان در هر شبانه روز با آن رو به رو می‌باشد، باید آن را یکی از جلوه‌های آفرینش و نظام حکیمانه پروردگار به حساب آورد.

خداوند متعال در قرآن خواب را یکی از بزرگترین نعمتها و نشانه‌ی قدرت و حکمت خود می‌داند و

می‌فرماید:

«وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا» (نبأ/ ۹)

(و خواب شما را سبب آرامش و استراحتتان قرار دادیم.)

«وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ...» (روم/ ۲۳)

(و از نشانه‌های خداوند خواب شما در شب و روز است ...)

در تحقیقات فراوان روانشناسان شاید گوشه‌ای از اسرار بی‌پایان آن باز نموده شده است و در زبان دین هم فراوان از آن یاد شده است و از راز و رمز آن سخن گفته‌اند. اما هنوز هم حقیقت آن از دید دانش بشری تا حدی پنهان مانده و بیشتر سخنان بزرگان روانشناسی، فلسفه و کلام، شعر و ... از روی ذوق و احساس بوده و بیان حقیقت نکرده‌اند و چه بسا سخنان آنان بر مجهولات و سؤالات آن افزوده باشد.

این پایان‌نامه هم با این که از تحقیقات روانشناسان، حکما، فلاسفه، بزرگان دین و عرفا و متصوفه بهره جسته است، از این مقوله مستثنی نیست و مدعی هیچ کشف و شناخت تازه‌ای نمی‌باشد. تنها در گوشه‌ای محدود از آثار عرفانی ادب پارسی این پدیده را مورد کنکاش قرار دادیم؛ تا نشان دهیم، آنها چه تأثراتی برای آن قائل شده‌اند و میزان انعکاس آن در ادب عرفانی فارسی تا چه اندازه است.

ما می‌خواهیم، نشان دهیم که عرفا و متصوفه در مقایسه با فلاسفه و متکلمین و اصحاب حدیث چه تبیین و تفسیری از حقیقت رازآلود خواب داشته‌اند و میزان جایگاه آن در عرفان و تصوف تا چه حد است و مبانی اندیشه‌ی عرفا و متصوفه در مورد خواب و رؤیا در ادبیات عرفانی فارسی چه جلوه‌ها و

انعکاسهایی داشته است و تئوری‌های ظریف، دقیق و عمیق این مشرب فکری را مورد بررسی قرار دهیم و نیز نشان دهیم که این واژه در ادبیات منظوم عرفانی با چه تعبیرات و ترکیباتی به کار رفته است. از این رو کاوش و جستجو در این مورد در آثار عرفانی درهای روشن عالم عرفان را به روی ما می‌گشاید و انگیزه‌ای می‌گردد تا افق‌های تازه‌ای فراروی خود بگشاییم و از آنچه که هستیم قدمی فراتر بگذاریم و همچنین تلاش برای تهیه‌ی منبع و مأخذی برای کنکاش و جستاری بیشتر در این زمینه باشیم.

این پایان‌نامه در چهار فصل تنظیم شده است که فصل اول شامل چهار بخش می‌باشد. در بخش اول به معناشناسی لغوی خواب و رؤیا پرداختیم و سعی بر آن شد که از مهم‌ترین و معتبرترین فرهنگ‌های عربی و فارسی استفاده نماییم. سپس به مترادفات و مشابهات خواب و رؤیا پرداختیم.

در بخش‌های بعدی معناشناسی اصطلاحی خواب و رؤیا در آینه‌ی علوم انسانی مورد بررسی قرار دادیم. چرا که خواب و رؤیا با علوم متعددی در ارتباط است و در مباحث مختلف روانشناسی، فلسفه و کلام، قرآن و حدیث و مهم‌تر از همه عرفان و تصوف مورد توجه ویژه قرار گرفته است. بنابراین در بخش دوم این پدیده را از نظر علوم طبیعی و روانشناسی بررسی نمودیم و دیدگاه چند روانشناس مهم را در این مورد یادآور شدیم و در ادامه دیدگاه مهم‌ترین فلاسفه اسلامی را مورد مذاقه قرار دادیم که به نظر اکثر آنها خواب نوعی از انواع نبوت به شمار می‌آید که از آن می‌توان برای اثبات روح و عوالم مابعدالطبیعه نتایج بیشتری گرفت.

در بخش سوم به بررسی خواب و رؤیا از منظر قرآن و احادیث پرداختیم. قرآن کریم با آن که کتاب کلیات است و به موضوعات جزئی کمتر می‌پردازد، مسأله رؤیا را مورد توجه ویژه قرار داده است و در آیات متعدد به رؤیاهای پیامبران الهی (علیهم‌السلام) و افراد عادی اشاره نموده است؛ چرا که از رؤیای نیک به عنوان الهام و بشارتی از سوی پروردگار یاد شده و یکی از راههای دریافت وحی برای پیامبران ذکر شده است.

ما سعی نمودیم خواب‌هایی که در قرآن به آنها اشاره شده است را بررسی نموده و احادیث و روایاتی که در این زمینه از زبان پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بیان شده است را یادآور شویم.

در بخش چهارم که مهم‌ترین بخش این پایان‌نامه به شمار می‌آید به طور مفصل و گسترده این پدیده را از منظر عرفا و متصوفه مورد بررسی قرار دادیم. در ابتدا به رابطه‌ی خواب و رؤیا با ادبیات و اسطوره پرداختیم. در باور اساطیری رؤیا برزخی میان عالم شهود و عالم غیب است و بسیاری از رویدادهای داستانهای حماسی پیش از آنکه در عالم بیداری وقوع یابند، در خواب رخ می‌نمایند. در عالم عرفان

خواب جزئی از اجزاء نبوت و ابزاری برای الهام غیبی و از مقوله‌ی سیر مثالی محسوب می‌شود و آن را نوعی کشف می‌دانند که بسیاری از مشکلات و ابهام‌های دین و دنیای خود را در آن حل نموده‌اند. ضمن اینکه رؤیاهای آنها رؤیاهای خاصی هستند که چه بسا با افراد عادی تفاوت داشته باشد. گروهی از آنها خواب را بر بیداری و عده‌ی دیگر بیداری را بر خواب ترجیح می‌دهند و هر کدام برای نظر خود دلایلی را ذکر کرده‌اند.

از نظر آنها حواس باطنی و علم شهودی برترین ابزار شناخت انسان است و خواب را آزادی روح از قفس تن می‌دانند و خواب از بدی‌ها را بهتر از بیداری و خواب از ارزشهای معنوی را یکسره جهل می‌دانند. در ادامه این بخش به اصطلاحات عرفانی مرتبط با خواب پرداختیم.

در فصل دوم به انواع و اقسام خواب و رؤیا و درجات آن پرداختیم و تقسیماتی که در این مورد در قرآن و احادیث و روایات می‌باشد را یادآور شدیم. ضمن اینکه عرفا و متصوفه نیز با الهام از قرآن و احادیث و روایات نیز تقسیماتی در این مورد داشته‌اند.

در فصل سوم به تعبیر خواب و پیشینه‌ی آن و کیفیت تعبیر از دیدگاه عارفان پرداختیم و در ادامه بحث نمونه‌هایی از خواب عارفان و چگونگی تعبیر آن از دیدگاه آنها را بررسی نمودیم.

در فصل چهارم خواب و رؤیا را از منظر علم بیان و بدیع و دستور بررسی نمودیم و در آثار منظومی که مورد مذاقه قرار دادیم به طور مختصر میزان نمود خواب و ترکیبات و اصطلاحات مربوط به آن را مورد تدبیر قرار دادیم و سعی نمودیم برای هر مورد به ذکر چند شاهد مثال اکتفا نماییم.

در پایان یادآور می‌شوم که این حقیر راه به راهنمایی دانایان می‌پوید. همانگونه که به کمک دوستان و اساتید نیاز داشته و تا زنده‌ام نیاز دارم. هر چند این اثر نقص‌های فراوانی دارد و خود از کاستی‌ها و بضاعت مُزجاة و پیاده بودن خود در دانش واقف هستم. امیدوارم که دانشجویان و محققان عزیز در این باب حق مطلب را ادا کنند و خوانندگان فهیم با دیده‌ی اغماض به این اثر بنگرند. هر چند که هیچ چیز در این جهان بی‌عیب نیست. چه به گفته‌ی شیخ اجل:

قبا گر حریر است و گر پرنیان به ناچار حشوش بود در میان

فصل اول

معناشناسی لغوی و اصطلاحی خواب و رؤیا

کلیات

۱- شرح و بیان مسأله

یکی از مباحث و وقایع راز آلود و قابل تأمل در زندگی بشر خواب و رویاهای منامی است که از دیر باز مورد تأمل و تفکر و تبیین فرقه‌های مختلف قرار گرفته است. و هر مرام و مسلکی در تبیین آن اظهار نظر کرده است. این پایان‌نامه در پی آن است که به پاسخ‌های ذیل در مورد خواب و رؤیا بپردازد.

۱- عرفا و متصوفه در مقایسه با فلاسفه و متکلمین و اخباریون و اصحاب الحدیث چه تبیین و تفسیری از حقیقت راز آلود فرایند خواب ارائه داده اند؟

۲- جایگاه و پایگاه خواب و رویاهای منامی در عرفان و تصوف تا چه مرتبت است و تا چه میزان مورد مذاقه و تصدیق قرار گرفته است. و برای آن چه تأثیراتی قائل شده‌اند؟

۳- عرفا و متصوفه چه تأویل‌ها و تعبیرهایی از رؤیاها ارائه داده‌اند؟

۴- مبانی اندیشه عرفا و متصوفه در مورد خواب در ادبیات عرفانی فارسی چه جلوه‌ها و انعکاسهایی داشته است؟

۵- خواب در رویاهای مبتنی بر اندیشه‌ی عرفانی با چه تطورات و تعبیرات و ترکیباتی در آئینه‌ی ادبیات عرفانی منعکس شده است؟

۲- پیشینه‌ی تحقیق

اگرچه مقوله و پدیده‌ی خواب و رویا از دیدگاه‌های علمی و روانشناسی و حتی از منظر فلاسفه و متکلمین و اخباریون و اصحاب الحدیث به طور جزئی و حتی مبسوط مورد مذاقه و مطالعه قرار گرفته است و در کتب مربوطه در فصول و بخش‌هایی از آن کتب مورد بحث واقع شده است، اما در زمینه‌ی مورد بحث این پایان‌نامه تا کنون کار مدون و بایسته و شایسته‌ای ملاحظه نشده است. به ویژه در ساحت و عرصه‌ی ادبیات عرفانی با تطورات و مشابهاات و مشاکلات آن کار خاصی انجام نشده است.

۳- اهداف پایان نامه

- ۱- بازیابی و بررسی اندیشه‌ی عرفا و متصوفه در مورد حقیقت راز آلود خواب و رؤیا و پایگاه و مرتبت آن در نزد آنها.
- ۲- تأویل‌ها و تعبیرات عرفا و متصوفه از رویا و خواب و جلوه‌ی آن در ادبیات عرفانی.
- ۳- یافتن تعبیرات و ترکیباتی که در زمینه‌ی خواب و رویا در ادبیات عرفانی منعکس شده است.
- ۴- تهیه‌ی منبع و مآخذی برای کنکاش و جستاری بیشتر در زمینه خواب و رؤیا در اندیشه‌ی عرفا.

۴- اهمیت، ارزش و کاربرد نتایج پایان نامه

یکی از وقایع قابل تأمل در زندگی بشر خواب و رؤیاهای منامی است که از گذشته مورد تأمل و تبیین فرقه‌های مختلف قرار گرفته و در مورد آن اظهار نظر کرده‌اند. در این پایان‌نامه ما برآنیم تا به تبیین و بررسی خواب از دید عرفا و متصوفه در مقایسه با فلاسفه و متکلمین و اخباریون باشیم و تا چه میزان آنها این مسئله‌ی رازناک را مورد مذاقه و تصدیق قرار داده‌اند و چه تأثراتی برای آن قائل شده‌اند. و بررسی انعکاس آن در ادب عرفانی فارسی و نیز جستجو برای یافتن تعبیرات و ترکیباتی که از خواب و مشابهاً آن در آئینه‌ی ادب فارسی وجود دارد باشیم.

۵- فرضیه‌ها (سؤال‌های تحقیق)

- ۱- می‌توان گفت که عرفا خواب را از مقوله‌ی سیر مثالی می‌دانند.
- ۲- به نظر می‌رسد که عرفا ضمن قائل شدن به مراتب اربعه الهامات ربانی، ملکی، نفسانی، شیطانی معتقدند که این مراتب در الهامات و خواطر منامی نیز رخ می‌دهد. که باید مورد مذاقه‌ی خبره و ارشاد پیر قرار گیرد تا کشفیات منامی حقانی از غیر حقانی باز دانسته شود.
- ۳- عرفا و متصوفه نیز بر مبنای مکاشفه‌ها و مشاهده‌ها، تعبیرات و تأویلات استنباطی و رمزی و اشارتی از رؤیاهای منامی ارائه داده‌اند که می‌توان محل تأمل ارباب معرفت باشد.
- ۴- ادبیات عرفانی فارسی مشحون از ترکیبات و اصطلاحات و مراتب و تطورات رؤیا و خواب و مشابهاً و مشاکلات آن است که می‌توان در جای خود محل تأمل و تدبر ویژه باشد.

بخش اول
معناشناسی لغوی خواب و رؤیا

بخش اول: معناشناسی لغوی خواب و رؤیا

واژه خواب که صورت مُعَرَّب آن نوم می‌باشد در فرهنگ‌های عربی تقریباً به صورت واحدی آمده است که ما می‌خواهیم تا این واژه را در چند فرهنگ لغت معتبر عربی مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۱-۱- فرهنگ‌های عربی

در (قاموس المحيط) ذیل «نوم» آمده است:

«النُّومُ: أو الرُّقَادُ: كَالنَّيَامِ، بِالْكَسْرِ، وَ الْأَسْمُ: النِّيمَةُ، بِالْكَسْرِ، وَ هُوَ نَائِمٌ وَ نَوُومٌ وَ نُومَةٌ، ج: نِيَامٌ وَ نُؤْمٌ وَ نَيْمٌ وَ نَيْمٌ. نُوَامٌ وَ نِيَّامٌ وَ نَوْمٌ، كَقَوْمٍ، أَوْ هُوَ اسْمٌ جَمْعٌ، وَ...»^۱

جوهری در (الصحاح) در مورد واژه «نوم» آورده است:

«النُّومُ: نَامٌ يَنَامُ نَائِمٌ وَ الْجَمْعُ نِيَامٌ وَ جَمْعُ النَّائِمِ نَوْمٌ عَلَى الْأَصْلِ وَ نَيْمٌ عَلَى اللَّفْظِ...»^۲

در فرهنگ (المنجد) در ذیل واژه «نوم» آمده است:

«نوم: نَامٌ يَنُومُ نَوْمًا = پیش از او خوابید. نَامٌ يَنَامُ نَوْمًا وَ نِيَامًا: چرت زد یا خوابید. النُّوم: (مص): خوابیدن. نُوَامٌ: مرد خیلی پر خواب. النُّومَةُ: ج نَوْمَات: اسم مَره است از نام: یک با خوابیدن. النُّومَةُ: مرد خواب آلوده: النُّوَام: خواب. النِّيمَةُ: خوابیدن. المَنَام: ج منامات: خواب، جای خواب. المَنَامَةُ: جای خواب. المُنُومٌ: کسی که کارش خوابانیدن افراد باشد.»^۳

همچنین در (لسان العرب) آمده است:

«نوم: النُّعَاسُ. نَامٌ يَنَامُ نَوْمًا وَ نِيَامًا. وَ الْأَسْمُ النِّيمَةُ، وَ هُوَ نَائِمٌ إِذَا رَقَدَ...»^۴

طولانی‌ترین تفسیر در باب لغت نوم در «مفردات راغب» آمده است. آنجا که می‌گوید:

^۱ - فیروزآبادی، القاموس المحيط، ص ۱۳۲۷.

^۲ - جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۲۰۴۶.

^۳ - لويس معلوف، المنجد، ص ۲۰۴۲.

^۴ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۳۶.

«النَّوْمُ فُسْرٌ عَلَىٰ وَجْهِ كُلِّهَا صَحِيحَةٌ بِنظَرَاتٍ مُّخْتَلِفَةٍ وَقِيلَ هُوَ اسْتِرْخَاءُ أَعْصَابِ الدِّمَاغِ بِرُطُوبَاتِ الْبُخَارِ الصَّاعِدِ إِلَيْهِ وَقِيلَ هُوَ أَنْ يَتَوَقَّى اللَّهُ النَّفْسَ مِنْ غَيْرِ مَوْتٍ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا) وَقِيلَ: النَّوْمُ مَوْتُ خَفِيفٌ وَالْمَوْتُ نَوْمٌ ثَقِيلٌ»^۱

یعنی: در مورد خواب تفسیرهای مختلفی بیان شده است که همه‌ی آنها به نظرات گوناگون صحیح است. گفته شده: خواب آرامش اعصاب مغز از طریق بخاراتی است. که به آن متصاعد می‌گردد و گفته شده: خواب آنست که خداوند روح را قبض می‌کند، نه تا سر حد موت. در قرآن کریم آمده است: خداوند (روح) انسان را در هنگام مرگ قبض می‌کند. آن روحی که در موقع خواب نمی‌میرد و گفته شده: خواب مرگ خفیف و مرگ خواب ثقیل است.

ایشان «منام» را مترادف «نوم» بیان نموده و برای هر یک از آن دو، شاهی از آیات قرآن کریم ذکر کرده است.

الْمَنَامُ: النَّوْمُ: قَالَ: وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... (روم/ ۲۳)

(و از نشانه‌های [حکمت] او خواب شما در شب و [نیم] روز است و...)

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا. (نبا/ ۹)

و در مورد رؤیا آمده است:

«رؤیا» از ماده «رأى» و به معنی خواب دیدن است.

در (قاموس قرآن) در مورد «رؤیا» آمده است:

«رؤیا از مصادیق «رأى» است و چون شخص چیزی را در خواب می‌بیند؛ آن را رؤیا گفته‌اند و از

اینجاست. که لغت نوسیان عرب، رؤیا را به آنچه شخص در خواب رویت می‌کند، گفته‌اند.

و این کلمه شش بار در قرآن آمده است.^۲

در ترجمه المفردات راغب اصفهانی آمده است:

«الرؤیا: آنچه که در خواب دیده می‌شود. رؤیا؛ بر وزن فُعلى است، که همزه آن تخفیف داده شده، و

با حروف (و) گفته می‌شود.»^۳

^۱ - اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۱۰.

^۲ - قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۷.

^۳ - خسروی حسینی، ترجمه المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۳۰.

در (لسان العرب) در مورد این واژه آمده است:

«الرُّؤْيَا مَا رَأَيْتَهُ فِي مَنَامِكَ وَقَدْ جَاءَ الرُّؤْيَا فِي اليَقْظَةِ وَعَلَيْهِ فُسْرَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ...» وَلَا تُجْمَعُ الرُّؤْيَا.»^۱

یعنی: رؤیا آن چیزی است که در خواب دیده می‌شود و گاهی رؤیا در بیداری آمده است و به همین معنا تفسیر شده آیه‌ی شریفه‌ای است که خداوند متعال در آن می‌فرماید: (و ما قرار ندادیم آن رؤیایی را که به تو نمایانندیم مگر عامل آرامش مردم).

طریحی در (مجمع البحرین) می‌گوید:

«الرُّؤْيَا بِاللِضْمِّ وَالْقَصْرِ وَ مَنَعَ الصَّرْفِ = مَا يُرَى فِي الْمَنَامِ.»^۲

رؤیا به ضم (راء) و قصر (الف) و غیر قابل صرف است. یعنی: آنچه انسان در خواب می‌بیند.

در (التحقیق فی کلمات القرآن) آمده است:

«أَمَّا الرُّؤْيَا فِي النَّوْمِ فَهِيَ تَتَّحَقُّ بِانْقِطَاعِ عَنِ الْحَوَاسِ الظَّاهِرَةِ وَ تَوَجُّهٍهَا إِلَى الْبَاطِنِ فَتَحْصُلُ لِلْقُوَّةِ الْمُتَخَيَّلَةِ فَرَاغٌ لِرُؤْيَيْهَا وَ ادْرَاكِهَا.»^۳

رؤیا در حالت خواب تحقق می‌یابد. به جدا شدن نفس از حواس ظاهر و متوجه شدن آن به باطن. پس برای قوه‌ی متخیله فراغتی جهت رویت و درک آن حاصل می‌گردد.

برای خواب دیدن غیر از واژه رؤیا کلمه «حُلْم» یا «حُلْم» نیز به کار برده می‌شود.

مقایس اللغة «حُلْم» و «حُلْم» را این گونه معنی کرده است:

«رُؤْيَةُ الشَّيْءِ فِي الْمَنَامِ.»^۴ یعنی: چیزی را در خواب دیدن.

در لسان العرب چنین آمده است:

«الحُلْمُ وَ الحُلْمُ: الرُّؤْيَا، وَ الْجَمْعُ أَحْلَامٌ... وَ فِي الْحَدِيثِ «الرُّؤْيَا مِنَ اللَّهِ وَ الحُلْمُ مِنَ الشَّيْطَانِ.» وَ الرُّؤْيَا وَ الحُلْمُ عِبَارَةٌ عَمَّا يَرَاهُ النَّائِمُ فِي نَوْمِهِ مِنَ الْأَشْيَاءِ، وَ لَكِنْ غَلَبَتِ الرُّؤْيَا عَلَى مَا يَرَاهُ مِنَ الْخَيْرِ وَ الشَّيْءِ الْحَسَنِ، وَ غَلَبَ الحُلْمُ عَلَى مَا يَرَاهُ مِنَ الشَّرِّ وَ الْقَبِيحِ؛ وَ مِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: اضْغَاثِ أَحْلَامٍ.»^۵

^۱- ابن منظور، همان، ج ۵، ص ۲۵۷.

^۲- طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۶۸.

^۳- مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۴، ص ۱۲.

^۴- ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۲۵۹.

^۵- ابن منظور، همان، ص ۹۲۵.

حُلْم و حُلْم به معنی رؤیاست، و جمع آن «احلام» می‌باشد... و در حدیث آمده است که: «رؤیا از جانب خداوند و حلم از طرف شیطان است». بنابراین، رؤیا و حُلْم عبارت است از: آن چیزهایی که شخص در خواب می‌بیند. اما «رؤیا» غالباً در موردی اطلاق می‌شود، که چیزی خوب و پسندیده را در خواب می‌بیند و «حلم» در موردی اطلاق می‌شود که چیزی بدو ناپسند را در خواب می‌بیند و از همین باب است آنچه در قرآن از آن به عنوان «اضغاث احلام» تعبیر شده است.

البته در جایی که کلمه «اضغاث» به «احلام» اضافه شود، در این صورت بدون شک، بر رؤیاهای آشفته و پریشان اطلاق خواهد شد.

در (قاموس قرآن) در تفسیر واژه «حلم» آمده است:

«بعضی آن را به معنی عقل گرفته‌اند، ولی معنی اصلی آن عقل نیست. بلکه عقل از مسببات آن است. چرا که نمی‌توان، لفظ حلیم را در قرآن به معنی عاقل تفسیر نمود... و احلام جمع حُلْم به معنی خوابهای آشفته است، و در آن خواب‌های آشفته به دسته‌های علف و غیره تشبیه شده است.»^۱

در کتاب (التحقیق فی کلمات القرآن) در این مورد آمده است:

«اضغاثُ احلامٍ اى اُمورٌ مُشوشَةٌ مُتفرِّقَةٌ تترأى فی النوم.»^۲

(اضغاث احلام یعنی اموری به هم ریخته و نا مربوط که در خواب دیده می‌شود.)

در (ترجمه المفردات راغب) در مورد «اضغاث احلام» آمده است:

«الضغُث: دسته گیاه خوشبو یا دسته ای علف و یا شاخه درخت است و جمع آن «اضغاث»

می‌باشد... و رؤیاهای به هم ریخته و در هم و بر هم که حقایقش روشن نیست، به دسته‌هایی از گل و

گیاه و یا شاخه درخت تشبیه شده است و این که در روایات آمده است: اطرافیان پادشاه کلمه «اضغاث

احلام» را بر رؤیای وی اطلاق نمودند، به این جهت بود که رؤیای پادشاه مصر به نظر آنان دسته ای از

رؤیاهای نامربوط و به هم آمیخته بوده است.»^۳

۱-۱-۲- معنانشناسی لغوی خواب و رؤیا در فرهنگ‌های فارسی

در فرهنگ‌های فارسی برای خواب تعاریف تقریباً یکسانی ذکر شده است.

در لغت نامه دهخدا در مورد واژه «خواب» آمده است:

^۱ - قرشی، همان، ج ۳، ص ۳۹.

^۲ - مصطفوی، همان، ج ۲، ص ۲۹۶.

^۳ - خسروی حسینی، همان، ص ۵۶۵.

«خواب» [خ] (ا) نقیض بیداری، نوم، حالت آسایش و راحتی که به واسطه از کار بازماندن حواس ظاهر و فقدان حس در انسان و حیوان بروز می‌کند. (ناظم الاطباء) واگذاشتن نفس استعمال حواس را به واگذاشتن طبیعی، منام، حثا، رقد، رقاد، هیجعت، کری، سبات، نعاس.^۱ در فرهنگ معین آمده است:

«خواب: حالت آسایش در انسان و حیوان است، که توام با آرامش و از کار افتادن حواس ظاهری می‌باشد.»^۲

و در لغت نامه دهخدا در مورد واژه «رؤیا» آمده است:

«رؤیا: صوری که در هنگام خواب در ذهن آدمی رخ بنماید.»^۳

در فرهنگ فارسی معین آمده است:

«رؤیا: آنچه که انسان در خواب ببیند.»^۴

۱-۱-۳- مترادفات و مشابهات خواب و رؤیا

خواب و رؤیا در متون ادب فارسی با مترادفات و مشابهاتی بیان شده است که در «لغت‌نامه دهخدا» آن بررسی نمودیم و لازم دانستیم جهت آشنایی با آنها در این قسمت گنجانده شود و در بعضی موارد شواهد شعری برای آنها ذکر نموده‌ایم.

احلام: ج حلم: بردباریها، عقلها، ج حلم: خواب های شیطانی، خواب ها، خوابهای شوریده که آن را تعبیر نتوان کرد. خواب های پریشان، هر آن چه شخص خفته در خواب ببیند، خواب دیدن، محتمل شدن، بالغ گردیدن، جماع کردن در خواب.^۵

اندر آن بیهوشی آری هوش دیگر لون است هوش بیداری کجا و رؤیه احلام کو؟

(دیوان شمس، ص ۸۲۸)

پینگی: حالتی که برای شخص خواب گرفته، نشسته یا ایستاده دست دهد که سرش پیایی فرو آید از خواب و سپس از خواب جهد و سر راست کند. غنودنی باشد سبک و آن را به عربی سنه گویند. حرکت

^۱ - دهخدا، لغت نامه، مدخل خواب.

^۲ - معین، فرهنگ فارسی.

^۳ - دهخدا، همان.

^۴ - معین، همان.

^۵ - تمام مترادفات و مشابهات از لغت‌نامه دهخدا استخراج شده است.

سر و گردن خفته برپا یا نشسته به سوی زیر. و سَن، سنه، مقدمه خواب و این بیشتر تریاکیان را باشد. چرت اول خواب.

چُرت: غنودگی و پینکی و حالت نیم خواب، خواب کمی نشسته یا دراز کشیده، پی در پی چشم بر هم نهادن و باز کردن از غلبه خواب، گرانی در چشم آنگاه که خواب غلبه کند، خواب کوتاه، و سَن، نعاس.

رقاد: خواب مخصوص است به شب، خواب و خصوصاً خواب در شب، خواب سبک اول شب، خواب، نوم، به خواب شدن، خوابیدن.

سبات: خواب سبک و خفی یا ابتدای خواب در سر تا که به دل رسد. راحت، آسایش و در تداول طب عبارتست از سیلان خلط یا بالارفتن بخار در حواس تصرف کند و نوعی از آن، آن است که کسالت و کند خاطری و فتور خواب همراه بود و آن سبات نام دارد. مرد زیرک.

گرچه ظلمت آمد آن نوم و سبات نی درون ظلمت است آب حیات؟

(مثنوی، ج ۱ / ۳۸۶۳)

«سبات در اصل به معنی قطع کردن و بریدن است. چنانچه عرب گوید «سَبَتَ شَعْرَهُ» یعنی موهایش را تراشید. از آن رو به خواب سبات گویند که فعالیت‌های متعارف انسان در خواب منقطع می‌شود و به مرد خفته «مبسوت» گویند.»^۱

سنه: غنودن و خواب سبک، غنودگی که مقدمه خواب است. «لَا تَأْخُذُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ» (بقره / ۲۵۵)

غنودن: به خواب اندر شدن، خواب رفتن و چشم از خواب گرم کردن، در خواب شدن، چرت زدن، خواب سبک کردن.

^۱- کریم زمانی، شرح جامع مثنوی، ج ۵، ص ۷۱۶.

نغنویدم زان خیالش را نمی بینم به خواب دیده‌ی گریان من یک شب غنودی کاشکی
(غزلیات سعدی، غزل ۵/۵۹۰)

منام: خواب، نوم، «وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامَكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» (۲۲/۳۰) آنچه شخص خفته در خواب
بیند، ج منامات: آنچه اهل خلوت در خواب بینند، در مقابل واقعه و مکاشفه. رؤیاهای.

از غذاهای مختلف یا از طعام طبع شوریده همی بیند منام
(مثنوی، ج ۴/۲۴۳۳)

بعد از آن ترسا در آمد در کلام که مسیحم رو نمود اندر منام
(مثنوی، ج ۶/۲۴۵۶)

نُعاس: غنودن، خواب شدن، آغاز به خواب شدن، فترتی که بر حواس بر اثر گرانی خواب
عارض شود. مقدمه خواب، سنه، و آن گرانی است که در چشم چون خواب غلبه کند.

من آن نیم که تو دیدی چو بینم شناسی تو جز خیال نبینی که مست خواب و نعاسی
دیوان شمس، غزل ۳۰۴۵، ص ۱۱۴۶

دیده‌ی کاندر نعاسی شد پدید کی تواند جز خیال و نیست دید؟
مثنوی، ج ۵/۱۰۳۳

نوم: خواب، منام، مقابل یقظه، ج نائم، خوابیدن.

الا تا به غفلت نخفتی که نوم حرامست بر چشم سالار قوم
بوستان، ص ۱۲۰

روح حیوانی ندارد غیر نوم حس‌های منعکس دارند قوم
مثنوی، ج ۴/۱۵۲۳

بخش دوم

معناشناسی خواب و رؤیا در اصطلاح روانشناسان و فلاسفه

۱-۲- سیمای خواب و رؤیا در آینه علوم انسانی

همگام با پیشرفت علوم پایه، علوم انسانی نیز به سیر صعودی خود ادامه می دهد، خواب که جزء لاینفک زندگی انسان است؛ در مطالعات علوم انسانی جایگاه خاصی دارد. بشر از دیر باز با مسئله خواب و رؤیا درگیر بوده است. البته ذهن انسان‌های اولیه نمی توانسته، رؤیا را از واقعیت تمیز دهد. گویا بشر اولیه به رؤیا با چشم شاعرانه می نگریست. همچنان که شاعری چینی گفته است: «دیشب در خواب خویشتن را به شکل پروانه‌ای دیدم و اکنون نمی دانم من انسانی هستم که در رؤیا خود را پروانه یافته است و یا پروانه ای هستم که اکنون در رؤیای دیگری خود را انسان می بیند.»^۱

انسانهای اولیه چنین می پنداشتند که «رؤیا آنها را با دنیای موجودات فوق انسانی مربوط می سازد و قاصد خدایان و شیاطین و پیامبر الهامات آنهاست و به علاوه یقین داشتند که رؤیا عمداً بر آنها نازل می شود و برای کسی که آن را در خواب می بیند، حاوی معنای بزرگی است و به اصطلاح از آینده به او خبر می دهد.»^۲

اما بشر امروز با پیشرفت علوم انسانی تا حدودی به راز و رمز این مسئله بغرنج و پیچیده پی برد. اما این بدان معنا نیست که این پدیده مرموز کاملاً شناخته شده است. باید با گفته‌ی دکتر Georg Kleins استاد روانشناسی دانشگاه شیکاگو هم آواز بود که «ما خرده معلومات زیادی راجع به رؤیا داریم، در حالی که اصل و اساس آن برایمان معلوم نیست. ولی امروزه دانشمندان اطلاعات وسیعی درباره‌ی رؤیا بدست آورده اند و امید می رود که در آینده نیز رموز مهم تری را کشف نمایند ولی هنوز بر خودشان هم مسلّم نشده که حقیقت رؤیا چه معنی دارد؟ از کجا می آید؟ آیا واقعاً رؤیا دنباله‌ی تجارب زندگی روزمره است؟»^۳

^۱- اریک فروم، زبان از یاد رفته، ص ۴.

^۲- فروید، تعبیر خواب، ص ۲۹.

^۳- سامی، خواب دیدن، صص ۱۵۷-۱۵۶.

با این پیش فرض، به طور مختصر پدیده‌ی خواب و رؤیا را در اصطلاح روانشناسان، فلاسفه و حکما، قرآن و حدیث و روایات و به طور گسترده‌تر در اصطلاح عرفا و متصوفه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲-۱- معنانشناسی خواب و رؤیا در اصطلاح علوم طبیعی و روان‌شناسی

پدیده‌ی خواب و رؤیا پدیده‌ای نیست، که ذهن بشر را اخیراً به خود جلب کرده باشد. تاریخ آن به تاریخ زندگی بشر بر می‌گردد.

در «لغت‌نامه روان‌شناسی» در مورد خواب آمده است:

خواب: sleep

«حالت فیزیولوژیک بهنجاری است، که معمولاً به صورت ادواری بروز می‌کند و با حذف فعالیت ادراکی و ظرفیت حرکتی ارادی مشخص شده است و از لحاظ عمقی بودن دارای درجاتی است که با مشکل کم و بیش بزرگ ایجاد بیداری مشخص کرده اند و نیز با تغییر کم و بیش شدید فعالیت الکتریکی مغز همراه است. یک فعالیت روانی در جریان خواب یا لااقل در پاره‌ای از مراحل آن به وقوع می‌پیوندد و آن به صورت خواب دیده یا رؤیا است که می‌توان در بیداری خاطره‌ای از آن را حفظ کرد.»^۱

«از نظر فیزیولوژیک، خواب حالتی است که در آن ساختمان زنده به تجدید حیات شیمیایی می‌پردازد و در حالتی که حرکات متوقف شده و درک حسی نیز تقریباً به حالت خاموشی درآمده است؛ انرژی کافی ذخیره می‌کند. از نظر روان‌شناسی، در هنگام خواب فعالیت‌های اصلی انسان در بیداری که درک واقعیت و واکنش در برابر آن است، به حالت تعلیق و وقفه موقت در می‌آید و تفاوتی که بین فعالیت بیولوژیک انسان در هنگام خواب و بیداری موجود است، در حقیقت تفاوتی است که بین دو حالت زیستی گوناگون وجود دارد.»^۲

روان‌شناسان و روانکاوان عقاید و باورهای مختلفی درباره‌ی خواب و رؤیا و ماهیت و ارزش و اثر خواب ارائه داده‌اند و در این‌باره کتابها نوشته‌اند و اظهارنظر کرده‌اند. بعضی روانشناسان رؤیا را تظاهری آشفته و نامنظم از تجربه‌های پنهان در حافظه فرد و خاطره‌ها می‌دانند که به طور تصادفی و بدون دلیل در خواب آشکار می‌شوند و لذا اهمیتی ندارند. بعضی دیگر خواب را حامل پیامی از درون ناخودآگاه فرد می‌دانستند و لذا آنها را قابل تعبیر و تفسیر می‌شمارند و گروهی دیگر راه میان دو نظر

^۱- دادستان، مینا راد، محمد منصور، لغت‌نامه روانشناسی، ص ۱۵۲.

^۲- اریک فروم، زبان از یاد رفته، ص ۳۵.

بالا را در پیش گرفتند و میگویند که به احتمال زیاد رؤیا برای بیننده‌ی آن دارای مفهوم و پیامی است و ممکن است که به وسیله خود بیننده خواب یا شخص دیگری قابل تعبیر صحیح باشد.

نظریات روانشناسان در باب خواب و رؤیا بسیار مفصل و گسترده است و پایان‌نامه‌ای مستقل می‌طلبد. ما در این پایان‌نامه جهت پرهیز از اطاله کلام به طور مختصر به نظریات فروید، یونگ و آدلر که از بنیان‌گذاران واقعی روان‌شناسی مدرن بودند، می‌پردازیم و از آوردن نظریات دیگر روان‌شناسان و روان‌کاوان خودداری می‌کنیم. اما قبل از پرداختن به نظریات آنها لازم است که مفهوم خودآگاهی و ناخودآگاهی فرد را باز شناسیم.

۱-۲-۱-۱- خود آگاهی

«خودآگاهی یعنی آگاهی به خود، آگاهی شخص به وجودش مانند یک شخص عادی، زیاده‌روی در تفکر درباره‌ی خود هنگام انجام دادن کاری به ویژه نزد دیگران.»^۱
و نیز «هوشیار نگه داشتن خویش به ویژه در روابط اجتماعی که ممکن است این بیداری پیامدهای ناگواری داشته باشد.»^۲

«خودآگاهی قسمتی از روان آدمی است و همه آن کار و سازهایی که آگاهانه درآدمی به انجام می‌رسد، خودآگاهی او را می‌سازد. آگاهی آدمی از خویشتن و از جهان پیرامونش زمینه‌های بنیادین خودآگاهی او را فراهم می‌آورد یونگ خودآگاهی را پیوندی روانی می‌داند که آدمی با کانونی در خویشتن به نام «من» دارد. قسمت خودآگاهی روان آدمی با علم و منطق و مصلحت‌بینی سروکار دارد و همیشه در پوسته‌ی ظاهر روان آدمی پدیدار می‌شود.»^۳

۱-۲-۱-۲- ناخود آگاهی

هر چه را که انسان به فراموشی می‌سپارد، از بین نمی‌رود. تنها از لایه‌ی خود آگاهی به عمق ناخودآگاهی سرازیر می‌شود. هر خاطره‌ای به ویژه خاطره‌های ناخوشایند و آرزوهای بر نیامده در ناخود آگاهی روان آدمی می‌مانند و ممکن است روزی همه یا برخی از آنها به نوعی مثلاً در رؤیاها مجال بروز پیدا کنند.

کزازی در کتاب «رؤیا، حماسه، اسطوره» معتقد است:

^۱ - شعاری‌نژاد، فرهنگ علوم رفتار، ص ۳۹۷.

^۲ - یادگاری، فرهنگ لغات و اصطلاحات روان‌شناسی، ص ۱۸۴.

^۳ - کزازی، رؤیا، حماسه، اسطوره، ص ۶۰.